

تحلیل سیاست‌های بازنشستگی در بستر گفتمان سیاسی و اجتماعی مصادف با دوران سازندگی و ارائه سناریوی آینده

رضا صفری شالی*، تقی پارسامهر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۹

چکیده

تحلیل متون گفتمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، نشان می‌دهد که گفتمان حاکم در این برهه، از نوع توسعه اقتصادی است، بر اساس این گفتمان شرط اصلی استقلال، عدالت، فقرزدایی و تداوم انقلاب و توسعه اقتصادی است. از الزامات و اقتضات ضروری برای تحلیل خط‌مشی‌های عمومی، این است که برنامه‌های این دوره را با توجه به روح حاکم در آن و در بستر گفتمان زمینه‌ای، مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین، هدف عبارت است از: تبیین نقش گفتمان سیاسی و اجتماعی توسعه اقتصادی در شکل‌گیری بحران صندوق‌های بازنشستگی، به عبارت دیگر ریشه‌ها و عوامل بحران صندوق‌ها در لایه گفتمانی مورد واکاوی و همچنین در قالب روایت‌پردازی، قابلیت «ساخت اجتماعی واقعیت آینده» مورد بحث قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم خط‌مشی‌های بازنشستگی در بستر گفتمان توسعه اقتصادی، با توجه به مهم‌ترین نشانه این دوره، یعنی «تولید و توسعه اقتصادی» با تفسیر خاص آن، بازنمایی شده است که مدل‌های سازگار با این معنا از قبیل تعدیل نیروی انسانی، کوچک‌سازی دولت و... دچار تقلیل معنایی شده و شرایط امکانی برای جهت‌گیری‌های خاصی در خصوص تأمین اجتماعی و خط‌مشی‌گذاری بازنشستگی و انباشتگی بحران صندوق‌ها و حمل روایت بحران برای دولت‌های بعدی را فراهم کرده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی، سیاست اجتماعی، تعدیل دولت، ظرفیت برسازی آینده،

روایت‌پردازی گفتمانی آینده

reza_safaryshali@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

** دکتری رشته آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و پژوهش‌گر دانشگاه.

parsamehrvision@gmail.com

بیان مسئله

مقوله تأمین اجتماعی مدرن با تمام زیرمجموعه‌هایش از جمله بازنشستگی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی و تاریخ‌مند، بعد از انقلاب صنعتی در غرب بر اثر تحولات درونی جامعه مثل انباشت سرمایه، شکل‌گیری چارچوب‌های حقوقی مدافع سرمایه و ظهور طبقات دیرپای اجتماعی مثل طبقه کارگر و سرمایه‌دار، بر اثر تسلط و در بستر امکان‌های گفت‌وگو مدرنیته پدیدار شد. یعنی روایت تأمین اجتماعی مدرن در غرب حاصل تحولات اجتماعی و برخاسته از نیروهای درون جامعه بوده است. اما روایت تأمین اجتماعی مدرن (از جمله بازنشستگی) نه برخاسته از مطالبات تاریخی جامعه، بلکه تحت تأثیر گفت‌وگو تجدد آمرانه به عنوان یک پدیده وارداتی بوده است، که در تداوم سلطه گفت‌وگو تجدد آمرانه، در دهه پنجاه از محل درآمدهای نفتی رخ داد. بنابراین در بستر امکان‌های این گفت‌وگو برخی مفاهیم مثل دولت، به معنای منبع پایان‌ناپذیری از ثروت و قدرت و توزیع‌کننده امتیازات معنایی گردید.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اولین گفت‌وگو سیاسی و اجتماعی که مصادف با انقلاب و دفاع مقدس بود در برهه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ بر کشور حاکم شد. این گفت‌وگو برآمده از شرایط انقلاب، شرایط امکانی را برای مهم‌ترین میراث‌های سیاستی در تأمین اجتماعی یعنی اصل ۲۹ قانون اساسی و همچنین ریل‌های گذار به آینده فراهم کرد. برخی به دلیل این‌که این گفت‌وگو متأثر از شرایط انقلاب و دفاع مقدس بوده است، آن را گفت‌وگو انقلاب اسلامی نامیده‌اند. اما ما با توجه به این‌که در این دوره فقط جزئی از ظرفیت انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن اقتضائات و اضطرار زمانه امکان تحقق یافت و نه همه ظرفیت انقلاب و به ویژه شرایط امکانی برای تحقق ظرفیت‌های بلندمدت انقلاب مهیا نگردید و از سوی دیگر مهم‌ترین رویکردها این گفت‌وگو «جبران نیازهای مسکوت مانده تاریخی به ویژه جبران محرومیت‌های رژیم سابق بوده است، ما این گفت‌وگو را گفت‌وگو «جبران نیازهای مسکوت مانده تاریخی» می‌نامیم و نه گفت‌وگو

انقلاب اسلامی. زیرا که گفتمان انقلاب دارای ظرفیت‌های آینده‌پردازانه‌ای است که همه آن‌ها در قالب‌های تنگ گذشته قابل تحقق نبوده و در آینده با گشودن امکان‌های بدیع، آشکار خواهند شد.

در فضای آرمانی سال‌های اوایل انقلاب، اصل ۲۹ قانون اساسی و در دوره تسلط این گفتمان مصوبات اول و دوم مجلس به تصویب رسید. مهم‌ترین نشانه این دوره «رفع دوگانگی طبقاتی برجای‌مانده از سرمایه‌داری دوره پهلوی» بود. در بستر این گفتمان، بازنشستگی به‌مثابه خدمات عمومی نظیر جاده‌ها و مدارس امری دولتی تلقی می‌شود. در این دوره دولت برای پایین نگه‌داشتن قیمت برخی از کالاهای اساسی حق بیمه بسیاری از صنایع و صنوف را بر عهده گرفت و کم‌کم بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی آغاز شد. از دال‌های تهی این گفتمان بی‌توجهی به رشد و سرمایه‌گذاری است. اگرچه وقوع جنگ در هر دولتی با هر گفتمانی منجر به افول رشد و سرمایه‌گذاری می‌شود، اما گفتمان جبران نیازهای مسکوت مانده تاریخی به دلیل گرایش‌های عمیق به دولت رفاه چپ، صرف‌نظر از شرایط بحرانی و اضطراری جنگ، خود شرایط امکانی را برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نداشت. در این گفتمان تمایل به تقسیم و توزیع منابع بین کارگران بود تا سرمایه‌گذاری، چرا که منابع سازمان حق‌الناس پنداشته می‌شد. دال‌های تهی از قبیل رشد اقتصادی و به‌ویژه سرمایه‌گذاری و تولید، دال‌هایی بودند که گفتمان رقیب با برجسته‌سازی آن‌ها توانست، گفتمان حاکم را حاشیه رانی و خود را برای مدتی تثبیت کند.

در سال ۱۳۶۸، گفتمان سیاسی و اجتماعی جدیدی بر فضای خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور تسلط یافت، دال مرکزی این گفتمان توسعه اقتصادی بود، یعنی باور بنیادین در این گفتمان این بود که در سایه توسعه اقتصادی و سایر جنبه‌های توسعه اقتصادی از قبیل سرمایه‌گذاری و تولید می‌توان همه آرمان‌های انقلاب از قبیل استقلال، عدالت، فقرزدایی و... را تحقق بخشید. یعنی شرایط امکانی برای سرمایه‌گذاری در درون گفتمان جدید وجود داشت. بنابراین انتظار طبیعی این بود که با تسلط این

گفتمان، یکی از ارکان اصلی تأمین اجتماعی مدرن، یعنی ظرفیت‌سازی سرمایه‌گذاری برای تأمین اجتماعی پایه‌گذاری شود. همچنین در این دوره شرایط فنی برای سرمایه‌گذاری نیز در پورتفوی‌های مناسب، مساعد بود. چرا که صندوق‌های عمده بازنشستگی در کشور در دوره جوانی خود بسر می‌بردند، مثلاً نسبت پشتیبانی در سازمان تأمین اجتماعی عدد ۹ و سایر صندوق‌های عمده نیز در وضعیت مطلوبی بسر می‌بردند، یعنی به ازای هر مستمری‌بگیر در سازمان تأمین اجتماعی ۹ بیمه‌پرداز وجود داشت، به عبارت دیگر، منابع حاصل از حق بیمه و مشارکت‌های بیمه‌پردازان برای سرمایه‌گذاری در وضعیت بسیار خوبی بود.

این پژوهش از این موقعیت پروبلماتیک نشأت می‌گیرد که با وجود شرایط مساعد فنی از قبیل جوان بودن صندوق‌های بازنشستگی در کشور و بالا بودن نسبت پشتیبانی و با وجود این‌که برجسته‌ترین دال‌های این دوره شامل مفاهیمی از قبیل تولید و توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری و... بودند، در کمال حیرت نه‌تنها رکن مهم تأمین اجتماعی یعنی سرمایه‌گذاری ظرفیت‌سازی و قابلیت‌سازی نشد، بلکه در دوره تسلط گفتمان توسعه اقتصادی که بر تولید و سرمایه‌گذاری تأکید داشت مانند دوره قبل، بحران مالی صندوق‌های بازنشستگی تشدید و بار تکفل دولتی انباشته‌تر شده و به دوره بعدی پرتاب شده است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا به درک گفتمانی و زمینه‌ای از علل عدم شکل‌گیری ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین از چگونگی شکل‌گیری خط‌مشی‌های بحران‌آفرین دست یابیم. پژوهش حاضر از موقعیت پروبلماتیک یادشده نشأت می‌گیرد، بنابراین سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. گفتمان توسعه اقتصادی (گفتمان مصادف با دوره سازندگی) چگونه در

برساختن وضعیت کنونی بازنشستگی نقش داشته است؟

۲. در صورتی‌که این گفتمان مجدداً تسلط یابد، چه آینده‌ای قابل تصویر است؟

مروری بر تحقیقات پیشین

در این قسمت به برخی از تحقیقات انجام شده در خارج و داخل کشور در خصوص بازنشستگی به صورت ایجاز در دو دهه اخیر پرداخته می‌شود:

- یافته‌های تحقیق «لاهی^۱ و آنسون»^۲ (۲۰۰۷) با عنوان: «بدهی دولت بابت بازنشستگی چرا انجام اصلاحات برای نجات سیستم بازنشستگی کارکنان دولت ضروری است؟» با بررسی ۱۲۵ سیستم بازنشستگی ایالتی در امریکا، نشان می‌دهد که علت عمده بدهی‌های دولت امریکا سیستم بازنشستگی (مزایای معین) است، این پژوهش پیشنهاد اصلاح سیستم بازنشستگی را مطرح می‌کنند.

- یافته‌های پژوهشی «ویلیامسون^۳، هاوولینگ^۴ و ماروتو»^۵ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد، که چرا مدل سه رکنی^۶ پیشنهادی بانک جهانی، به‌رغم این‌که با میراث سیاستی کشور روسیه ناسازگار بود، مورد پذیرش قرار گرفت. بر این اساس، چندین عامل در پذیرش مدل سه رکنی تأثیر داشته است. فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی ناشی از سازمان‌های بین‌المللی مالی، شبکه‌های اقتصاددانان نئولیبرال و متخصصان که با مؤسسات مالی بین‌المللی به‌ویژه بانک جهانی در تعامل بودند، در فرایند پذیرش این مدل نقش اساسی داشت. همچنین این تحقیق، ساختاردهی مجدد با جهت‌گیری به‌سوی مدل مشارکت معین را مطرح می‌کند.

۱. Lahey

۲. Anenson

۳. Williamson

۴. Howling

۵. Maroto

۶. Multi-pillar pension Model

یافته‌های تحقیق «کوربو^۱ و اشمیت هبل^۲» (۲۰۰۴) با عنوان: «اثرات اصلاح سیستم بازنشستگی شیلی بر اقتصاد کلان»، نشان می‌دهد که اصلاحات بازنشستگی در کشور شیلی بر متغیرهای اقتصاد کلان از قبیل سرمایه‌گذاری کل، پس‌انداز کل، اشتغال کل، بهره‌وری کل و بازار سرمایه اثر مثبت داشته است. این تحقیق تأثیرات ماندگار اصلاح سیستم بازنشستگی بر اقتصاد کلان را نشان می‌دهد.

- «هاودینگ^۳ و مریت^۴» (۱۹۹۸) بر اساس مدل‌های همپوشانی نسلی^۵ برای هفت کشور، آمریکا، ژاپن، فرانسه، کانادا، ایتالیا، انگلستان، و سوئد، پژوهشی انجام دادند. شبیه‌سازی‌های این تحقیق، کاهش سخاوتمندی نظام بازنشستگی عمومی برای کاهش بار مالی تعهدات آینده، پیشنهاد می‌کند.

- موسی پور (۱۳۹۳) در مقاله پژوهشی با عنوان «ایجاد تعادل بین منابع و مصارف طرح‌های بازنشستگی با استفاده از دانش آکچوئری» با رویکرد ایجاد تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌ها، انجام محاسبات آکچوئری را در برآورد تعهدات صندوق‌ها حیاتی می‌داند.

- میر و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله پژوهشی «چالش‌ها و راهکارهای صندوق‌های بازنشستگی در ایران، مطالعه موردی صندوق بازنشستگی جهاد کشاورزی» بیان می‌کنند که با رویکرد چالش‌ها و راهکارهای صندوق بازنشستگی جهاد کشاورزی، روند سالمندی جمعیت، تحمیل هزینه‌های حمایتی به نظام بیمه‌ای و عدم ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها را از مهم‌ترین چالش‌ها و مهم‌ترین راهکارهای اصلاحات پارامتریک می‌داند.

۱. Victor Corbo

۲. Klaus Schmidt- Hebbel

۳. Hviding

۴. Merette

۵. Overlapping generations(OLG)

- عطاریان (۱۳۹۰) در گزارش پژوهشی «چالش‌های پیش روی صندوق بازنشستگی کشوری و راهبردهای برون‌رفت از آن، با تمرکز بر چالش‌ها و راهکارها»، روند سالمند شدن جمعیت، تحمیل هزینه‌های حمایتی و عدم ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها را مهم‌ترین منشأ چالش‌ها و اصلاحات پارامتریک را مهم‌ترین راهکار مطرح می‌کند.

- جلیلی (۱۳۸۷) در گزارش پژوهشی با عنوان «اصلاحات بازنشستگی کارمندان دولت، تجربه کشورهای OECD» با بررسی تجارب سایر کشورها در زمینه اصلاحات، اصلاحات پارامتریکی از قبیل افزایش سن ورود، افزایش مشارکت و... را توصیه کرده است.

- اردلان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «گزینه‌های سیاستی دولت برای پایداری بیمه‌های بازنشستگی با استفاده از رویکرد تعادل عمومی پویا» با تمرکز بر تأثیر سالمندی بر بازنشستگی با محوریت مدل نسل‌های همپوشان، بیان می‌کند که بروز پدیده سالمندی در کشور باعث کاهش نرخ جایگزینی است، کاهش نرخ جایگزینی منجر به کاهش پرداخت‌های حق بیمه و پیامد نهایی آن، وابستگی بیشتر صندوق‌ها به کمک‌های دولتی می‌شود.

- دشتیان (۱۳۹۰) در رساله دکتری با عنوان «بهسازی نظام بازنشستگی و اثرات آن بر انباشت سرمایه و توزیع درآمد در ایران» با تمرکز بر الگوی نسل‌های همپوشان در شبیه‌سازی بهسازی نظام بازنشستگی، معتقد است که نظام اندوخته‌گذاری انباشت سرمایه بالاتری را به همراه دارد که این انباشت سرمایه الزاماً به معنای بهبود توزیع درآمد نیست، بر این اساس در این تحقیق به منظور بهبود دریافتی‌های افراد، انتقال به نظام جدید بازنشستگی مطرح می‌شود.

- شکوری (۱۳۸۸) در گزارشی با عنوان «آثار ساختار سنی جمعیت ایران بر صندوق‌های بازنشستگی»، نشان می‌دهد که سالمند شدن جمعیت موجب بحرانی شدن وضعیت صندوق کشوری، از نظر توازن دریافتی و پرداختی‌ها شده است. در انتها برای

مهار بحران دو استراتژی توصیه شده است: اصلاحات پارامتریک مثل افزایش سن بازنشستگی و اصلاحات سیستم بازنشستگی.

با تأمل و ژرفکاوای در پیشینه درمی‌یابیم که پدیده بحران بازنشستگی دارای لایه‌های متعددی است، که هرکدام نیاز به مطالعات تشخیصی و متناسب با خود را دارد. می‌توان سه لایه برای این پدیده در نظر گرفت. به نظر می‌رسد که یک‌لایه از پدیده بحران بازنشستگی، لایه آشکار و مشهود است. در این لایه مسئله ظهور می‌کند. روندهای کمی مشکلات و مسائلی مانند بحران مالی صندوق‌های بازنشستگی، نارضایتی‌های کانون‌های بازنشستگان، کمپین‌های اعتراضی و... همه در این لایه آشکار می‌شوند. این سطح مرئی و آشکار مسئله است. برخی از تحقیقات ممکن است علت بحران را در عدم پرداخت بدهی‌های دولت و تعهدات افزایش‌دهنده دولت‌ها به صندوق‌های بازنشستگی جستجو کنند. که کاملاً درست و در سطح لایه اول تبیین قابل دفاع است چراکه نپرداختن بدهی و ایجاد تعهدات بدون پشتوانه مالی موجب بحران یا تشدید آن می‌شود.

اما پرسش عمیق‌تر این است که چرا و چگونه و در چه فضای اجتماعی و پیرامونی تعهدات و بدهی‌های دولت در یک سیر تاریخی دائم در حال انباشته‌تر شدن است؟ چرا بدهی‌های دولت دائماً در حال افزایش است؟ در گفتمان حاکم بر ذهن جمعی جامعه ایرانی مفهوم دولت چگونه معنایابی شده است که بستر امکانی برای انباشتگی بار تکفل دولت و هزینه‌های عمومی فراهم می‌شود؟ ممکن است برخی از تحقیقات علت اصلی بحران بازنشستگی را در عدم بکارگیری اصول حرفه‌ای بیمه و عدم اصلاحات پارامتریک و سیستمی تلقی کنند. که این گزاره هم در سطح لایه اول و درون‌سازمانی، کاملاً درست است. یعنی عدم اصلاح پارامترها و سیستم در انطباق با تغییرات جمعیتی موجب ناپایداری و بحران صندوق‌ها شده است. اما پرسش عمیق‌تر این است که چه فضای گفتمانی و زمینه‌ای چرا و چگونه بستر امکانی را برای عدم اصلاحات پارامتریک و سیستمی و فقدان عقلانی و بهینه‌سازی فراهم کرده است؟

لایه دوم پدیده بحران بازنشستگی را می‌توان «لایه نیمه مشهود» نامید. خط‌مشی‌های عمومی از جمله قوانین عمومی مرتبط با بازنشستگی جنبه مشهود محیط نهادی و توافق‌های نانوشته را می‌توان جنبه پنهان لایه دوم در نظر گرفت که قواعد بازی کنشگران را شکل داده و بازی در چارچوب قواعد لایه دوم جریان می‌یابد. ممکن است برخی از تحقیقات در خصوص بحران بازنشستگی بر کنش‌های سیاستی، بازی بازیگران از قبیل رقابت یا توافق و... بین بازیگرانی مثل صندوق‌ها، کانون‌ها، دولت و... تأکید ورزند، که تبیین آن‌ها در سطح نهادی کاملاً قابل دفاع و ارزشمند است. اما پرسش عمیق‌تر این است که چه گفتمانی و چگونه بستر اجتماعی فضای پیرامونی را برای خط‌مشی‌گذاری‌هایی خاص، مهیا کرده است؟

لایه سوم پدیده بحران بازنشستگی را می‌توان «لایه گفتمانی» نامید که نامشهود است. یعنی در بستر گفتمان زمینه‌ای حاکم، برخی از معناها مثل عدالت به معنای دسترسی نسل حاضر به منابع بین نسلی برجسته‌سازی، و سایر معناها از قبیل طرد بین نسلی بودن عدالت و نادیده گرفتن سهم آیندگان حاشیه رانی شده است. این لایه زیرین سیاست‌گذاری یعنی گفتمان حاکم بر فضای سیاست‌گذاری، بستر امکانی برای جهت‌گیری‌های خاص اقتصاد سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی و... در ارتباط با بازنشستگی فراهم کرده است. خط‌مشی‌گذاری عمومی در بستر امکانی لایه گفتمانی امکان ظهور پیدا می‌کند. تا آنجایی که مطالعات ما نشان می‌دهد، پدیده بازنشستگی عمدتاً در سطح لایه اول، یعنی محل ظهور بحران مورد توجه قرار گرفته شده است و به لایه‌های عمیق‌تر از جمله لایه گفتمانی کمتر پرداخته شده است. لایه اول و دوم در خلأ امکان بروز پیدا نمی‌کنند، بلکه در بستر اجتماعی امکان ظهور می‌یابند. این تحقیق لایه گفتمانی مسئله را مورد بررسی قرار داده است که بخشی از یک کلیت یکپارچه اجتماعی است، و سایر تحقیقات معطوف بر لایه مشهود و واقع‌گرایی، بخش‌های عینی و فنی این پدیده اجتماعی یکپارچه را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بنابراین این تحقیق در

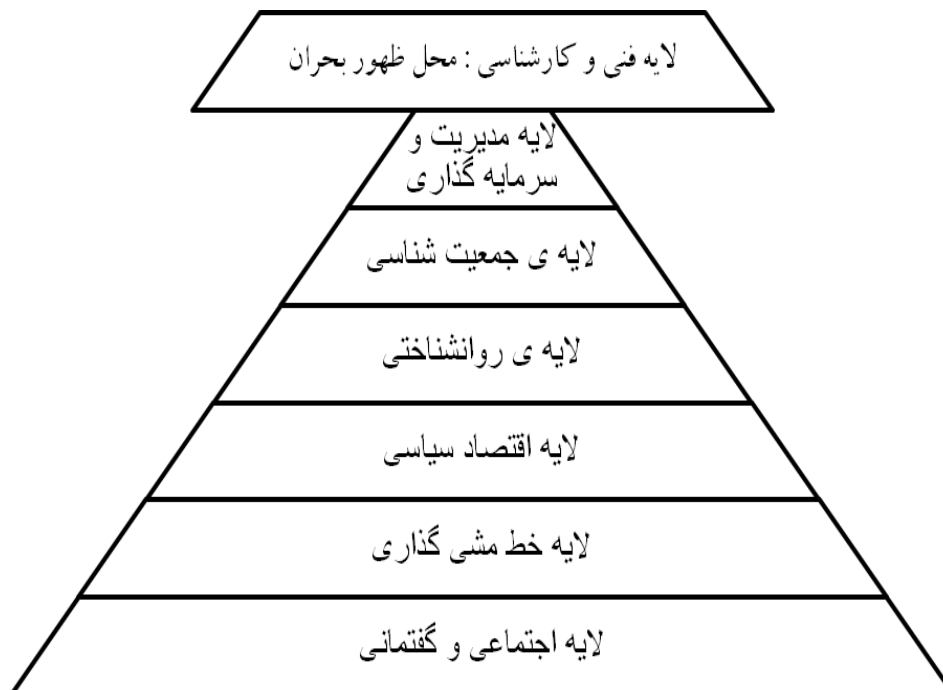
راستای تکمیل کاستی تحقیقات پیشین انجام گرفته است، چراکه مسئله بازنشستگی کمتر از منظر گفت‌وگوانی مورد تحلیل واقع شده است.

در ادامه، تحقیق حاضر را می‌توان از سویی در تکمیل تحقیقات پیشین و بر اساس تحقیقات قبلی تلقی کرد؛ چرا که در این تحقیق بخش‌های انضمامی مسئله مثل بحران مالی، به مثابه بازنمایی و تجلی عوامل معنایی در نظر گرفته شده‌اند. یعنی نوعی رفت و برگشت بین ابعاد انضمامی و ابعاد معنایی وجود دارد. اما مسئله این است که تحقیقات معطوف بر لایه مشهود پدیده، هم مسئله و هم راه‌حل را در عوامل واقع‌گرایانه مستقل از گفت‌وگو از قبیل مسئله بودجه، فنی و... جستجو می‌کنند. در حقیقت پارادایم مطیع هستند. یعنی عمده کار آن‌ها توصیه‌های فنی و اصلاحات بهینه‌سازی است و خیلی وارد رویکردهای بنیادین نمی‌شوند.

اما این تحقیق اصلاحات را در پیوند با لایه‌های زیرین پدیده یکپارچه اجتماعی مطرح می‌کند. مثلاً ممکن تحقیقی بدهی دولتی را علت بحران مالی صندوق محسوب کرده متناسب با آن بحث استقلال صندوق از دولت را هم طرح کرده است. اما مسئله این تحقیق گفت‌وگوانی است، یعنی چه شرایط اجتماعی و گفت‌وگوانی موجب بهمنی شدن بدهی‌ها و تعهدات دولت می‌شود. بنابراین یافته‌های تحقیقات پیشین به‌عنوان عواملی که تحقیق حاضر از آن نقطه آغاز شد اهمیت دارند و از آنجاکه گفت‌وگو امر انتزاعی نیست بلکه سازنده واقعیت اجتماعی است، عوامل قابل شهود و ملموس مثل بحران صندوق‌ها و... محصول برساخته شده گفت‌وگوانی بوده‌اند. در نهایت باید گفت که این تحقیق در راستای تکمیل کاستی تحقیقات پیشین که کمتر به بازنشستگی در سطح تحلیل گفت‌وگو پرداخته‌اند، انجام گرفته تا ریشه‌های گفت‌وگوهای بحران بازنشستگی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

واقعیت بحران بازنشستگی در ایران، واقعیتی غنی، پیچیده و دارای ماهیت چندلایه‌ای است. یک‌لایه از این واقعیت به مباحث جمعیتی مثل سالمندی جمعیت، افزایش امید به زندگی، کاهش نرخ زاد و ولد و... مربوط می‌شود. در این لایه، بحران بر اساس عدم تطابق پارامترها و سیستم بازنشستگی با تحولات جمعیتی تبیین و راه‌حل‌ها ارائه می‌شود. یک‌لایه از این واقعیت، به نحوه مدیریت صندوق‌ها مربوط می‌شود، در این لایه بحران بر اساس رویکردهای مدیریتی بنگاه اقتصادی تبیین و راه‌حل ارائه می‌شود. یک‌لایه به مباحث سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود، در این لایه، بحران بر اساس رویکردهای سرمایه‌گذاری تبیین و راه‌حل داده می‌شود. بخشی از واقعیت بحران، به لایه اقتصاد سیاسی مسائلی از قبیل مداخله دولت در مدیریت صندوق‌ها، تأثیر منابع رانتهی در جلوگیری از اصلاحات مربوط می‌شود. یک‌لایه به خط‌مشی‌گذاری عمومی مربوط می‌شود، یعنی خط‌مشی‌گذارانی از قبیل مجلس، دولت و... به‌مثابه فاعلان دارای اختیار فرض می‌شوند، در این لایه، بحران بر اساس تحلیل خط‌مشی‌گذاران تبیین شده و راه‌حل‌ها مطرح می‌شود. یک‌لایه فراگیر و عمیقی وجود دارد که شرایط امکانی را برای لایه‌های سطحی‌تر آماده می‌سازد، که آن لایه اجتماعی و گفتمانی است.



شکل ۱- واقعیت لایه مند بحران بازنشستگی در ایران

در حقیقت، اگرچه لایه‌های فنی و ملموس مثل سازوکارهای حق بیمه و یا بهبود مدیریت ذخایر و کارآمد سازی سرمایه‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌ها از اهمیت غیرقابل انکاری برخوردار است، اما تقلیل بحران پیچیده و لایه‌مند واقعیت بازنشستگی به لایه‌های فنی نوعی ساده‌انگاری است.

در این نوشتار، ریشه‌های اجتماعی و معنایی بحران بازنشستگی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به این‌که خط‌مشی بازنشستگی به‌مثابه یک پدیده اجتماعی، دارای ابعاد مهم برون‌سازمانی است، بنابراین رویکردهای نظری صرف متمرکز بر جنبه‌های تکنیکی، کفایت لازم را ندارند. همچنین با توجه به این سوژه‌های خط‌مشی‌گذار از جمله دولت‌ها و مجالس در درون شرایط امکانی گفت‌وگوهای حاکم قادر به کنش سیاستی

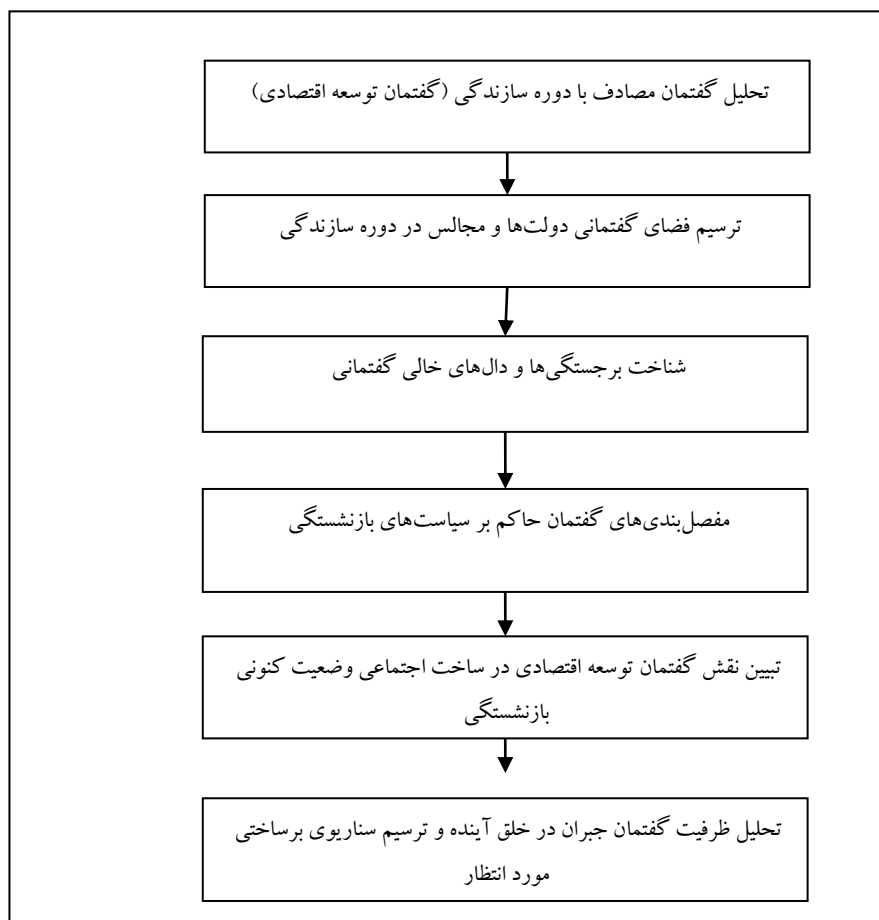
هستند، بنابراین رویکردهایی از قبیل اقتصاد سیاسی و یا اراده سیاسی نیز قادر به تبیین این شرایط گفتمانی نیستند، بنابراین چارچوب مفهومی منتخب در این تحقیق، تحلیل گفتمان است. تحلیل گفتمان قادر است تا فضای گفتمانی که در آن هویت و نقش سوژه‌ها تعیین شده و ساخت اجتماعی وضعیت بازنشستگی را در بستر فضای اجتماعی توضیح دهد. بر همین مبنا، در این تحقیق تلفیقی از نظریات و روش «نورمن فرکلاف»^۱ و «ارنستو لاکلاو»^۲ و «شتتال موفه»^۳ استفاده می‌شود.

نظریه لاکلاو و موفه، به این دلیل استفاده می‌شود که از طریق نظام پدیده نشانه‌شناسی می‌توان تحولات معنایی را در سیر تاریخی آن مورد بررسی قرار داد. موقتی بودن سرشت رابطه دال و مدلول در این نظریه، ما را به این آگاهی رهنمون می‌سازد که تثبیت معناها امر طبیعی نیست، بلکه برساختی است، بنابراین با درک موقتی بودن ماهیت وضع موجود امکان برسازی‌های تازه و بدیع و گشودن آینده‌های بدیل وجود دارد. همچنین درک دال‌های تهی و به حاشیه رانده شده در میدان گفتمانی درباره ظهور آینده‌های متفاوت، دلالت‌های ارزشمندی را به همراه دارند. نظریه فرکلاف به این دلیل استفاده می‌شود که پدیده را در هر دوره مستقل از سایر دوره‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در این نظریه می‌توان رابطه دوسویه عوامل گفتمانی و غیر گفتمانی را در ساخت اجتماعی واقعیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داد. اما دلیل دیگری که موجب می‌شود تا از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به‌عنوان ابزار تحلیل بهره گرفته شود، این است که تحلیل انتقادی فرکلاف در سطح توصیف (سازوکارها) باقی نمی‌ماند، بلکه به سطح تبیین (چرایی) با توجه به ساختار اجتماعی نیز می‌رسد.

۱. Norman Fairclough

۲. Ernesto Laclau

۳. Chantal mouffe



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق (تبیینی)

بر اساس مدل بالا، ابتدا تلاش می‌شود تا گفت‌وگوهای مصادف با دوره سازندگی ترسیم شود. یعنی بر اساس متون سخنرانی‌ها و سایر منابع فضای کلان گفت‌وگویی حاکم بر کشور از جمله حاکم بر خط‌مشی‌گذاری‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی ترسیم می‌گردد. در مرحله بعدی متون مربوط به بازنشستگی در بستر گفت‌وگوهای حاکم بر برهه مورد مطالعه تحلیل می‌شود. تلاش می‌شود تا شرایط امکانی که گفت‌وگوهای توسعه اقتصادی برای کنش‌های خاص سیاستی فراهم کرده است، نشان داده شود. همچنین قدرت این گفت‌وگوها در ایجاد وابستگی به مسیر تبیین می‌شود، وقتی که نقش این گفت‌وگوها در وضعیت کنونی

بحران و ساخت واقعیت‌های جهان اجتماعی بازنشستگی نشان داده شد، بر اساس درک از ظرفیت‌های این گفتمان، سناریوی مورد انتظار آینده با فرض تسلط مجدد گفتمان جبران، تصویر می‌گردد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، به روش کیفی و با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان، آن‌هم بر مبنای نظریات «لاکلاو^۱ و موفه^۲» به انجام رسیده است. از نظر لاکلاو و موفه، گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد و از طریق ارتباط با سایر نشانه‌ها تثبیت می‌شود. در واقع گفتمان یعنی فروکاستن حالت‌های ممکن، تلاشی است برای خلق نظام واحد معنایی، آن‌ها حالت‌های ممکن را که گفتمان به حاشیه رانده است، را میدان گفتمانی^۳ می‌نامند (Laclau and Mouffe, 1985:111). در واقع یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های ویژه شکل می‌گیرد (Laclau and Mouffe, 1985: 112). در این منظر همه چیز از جمله سیاست‌های عمومی از قبیل بازنشستگی نوعی سازه گفتمانی بشمار می‌رود، که به مثابه جزئی از یک نظام معنایی گسترده‌تر (گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی) قابل درک و فهم می‌باشد.

در این تحقیق، برای ترسیم فضای کلان گفتمان سیاسی و اجتماعی این برهه، از سه متن سخنرانی نماد دوران سازندگی در آذر ۱۳۶۸، شهریور ۱۳۷۱، و مرداد سال ۱۳۷۲، استفاده شده است. پس از ترسیم فضای کلان گفتمان سیاسی و اجتماعی حاکم، در بستر این گفتمان متون مرتبط با سیاست‌های بازنشستگی شامل مصوبات سوم و چهارم مجلس، و قوانین برنامه اول و دوم بر مبنای گفتمان حاکم تحلیل شده است.

۱. Ernesto Laclau

۲. Chantal mouffe

۳. the field of discursivity

در این تحقیق، علاوه بر تحلیل متون، از مصاحبه‌های عمیق استفاده شده است. در فرایند انجام مصاحبه با ۳۰ نفر مصاحبه انجام گرفت. افراد مصاحبه شونده در حوزه‌های مرتبط با موضوع تحقیق، از قبیل سیاست‌گذاری عمومی، تامین اجتماعی و رفاه اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، پویایی سیستم، و اقتصاد دارای دانش نظری و همچنین دارای تجارب زیسته درگیری با موضوع تحقیق را هستند. همچنین علاوه بر مصاحبه‌های فردی، از طریق برگزاری جلسات گروهی با خبرگان، موضوع مورد بحث قرار گرفت. برای تصویر آینده، بر اساس ظرفیت گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی در خلق آینده، از روایت‌پردازی استفاده شده است. مطالعه گفت‌وگوهای روایت سعی دارد اصول مشترک تشکیل‌دهنده متون را نشان دهد، اصولی که سعی دارند فراگیر باشند.

تحلیل یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل خط‌مشی‌های مرتبط با بازنشستگی در بستر گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی مصادف با دوره سازندگی بدین شرح می‌باشد:

۱. تحلیل سیاست‌های بازنشستگی در بستر گفت‌وگوهای مصادف با دوره سازندگی

از آنجایی که در این برهه زمانی، گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی بر کشور حاکم شد، که شرایط تکوینی خاصی را برای کنش‌های خاص سیاستی، فراهم ساخت، خط‌مشی‌های بازنشستگی نیز مانند سایر طرح‌ها و برنامه‌ها به‌مثابه جزئی از این کلیت اجتماعی و سیاسی قابل فهم است، بنابراین برای فهم چگونگی شکل‌گیری خط‌مشی‌های بازنشستگی در بستر شرایط امکانی و تکوینی این دوره، لازم است ابتدا فضای کلان سیاسی و اجتماعی به‌عنوان زمینه و بافت سیاست‌های بازنشستگی ترسیم گردد، پس ابتدا فضای کلان اجتماعی و سیاسی این دوره از طریق متون گفت‌وگویی تحلیل می‌گردد.

۱-۲- ریشه‌یابی شکل‌گیری و ترسیم فضای گفت‌وگویی مصادف با دوره سازندگی

در اینجا برای درک فضای گفتمانی حاکم بر این دوره، برخی از گفتارهای هاشمی رفسنجانی (ریس جمهور دوران سازندگی) به مثابه نماد این گفتمان تحلیل می‌شود. متن اول سخنرانی، حدود یک‌صد روز پس از برگزاری مراسم تحلیف ریاست جمهوری در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۶۸ در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام شده است. هاشمی رفسنجانی در این متن به تبیین ویژگی‌های برنامه اول توسعه می‌پردازد.

جدول ۱- تحلیل گفتمان متن اول سخنرانی هاشمی رفسنجانی

واژگان کانونی	منابع ارزی، ملت ایران، دولت، امکانات، کارخانه‌ها، درآمد، تولید، صادرات، استقراض، سرمایه‌دار خارجی، سرمایه‌گذار، انرژی، نفت و گاز، تورم
واژگان سلبی	بدبینانه، بدبین کردن مردم، شیوه جاهلانه، ضدانقلاب، استعمار، انحراف، شیطنت، امیدهای کاذب، راه نینداختن تولید
قطب‌بندی‌ها	داشتن تولید در مقابل نداشتن تولید، توسعه اقتصادی در مقابل عدم توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در مقابل عدم سرمایه‌گذاری، داشتن صادرات در مقابل نداشتن صادرات
مفاهیم	توزیع منابع، نیاز مردم.
جان کلام متن	برای رفع مشکلات کشور باید تولید کرد و بودجه جاری و هزینه‌های زندگی مردم را از درآمد ناشی از تولید تأمین کرد.
پیش‌فرض‌های سخنران در این متن	استراتژی اصلی دولت برای حل مشکلات کشور مقوله تولید است باید از همه ظرفیت‌های تولیدی استفاده کرد بار ارزی برنامه اول توسعه در حد امکانات کشور است بار ارزی برنامه اول واقع‌بینانه است

اصلی‌ترین قطب‌بندی در این متن، قطب‌بندی بین تولید، توسعه و فقر است. یعنی اهتمام به تولید و توسعه اقتصادی باعث رفع فقر و سایر مسائل و مشکلات کشور می‌شود.

اپیزودهای معنایی^۱ این متن به شرح زیر است:

۱. تأکید بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی: سخنران بیان می‌کند که اگر با استفاده از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، بتوانیم از میادین نفتی و گازی خود استفاده کنیم، درآمد کشور بالا می‌رود، سپس در تفسیر خود برای نجات جامعه، بر تولید تأکید دارد.

۲. تنظیم کارشناسی برنامه اول توسعه: برنامه توسعه اول کارشناسی و حاصل مطالعات جمعی است، بنابراین رضایت همه جریان‌های فکری را نمی‌توان جلب کرد.

۳. واقع‌بینانه بودن برنامه

۴. تأکید بر تولید به‌عنوان راهبرد اساسی

در راستای تبیین این متن، باید گفت که متن حاضر متأثر از فضای کشور پس از پایان جنگ است. در این دوره ورود هاشمی در عرصه اجرایی کشور با مشکلات پس از جنگ و مسائل معیشت مقارن است. کشور با خسارت‌های سنگین جنگ، ویرانی شهرها و مراکز اقتصادی، کاهش درآمد سرانه، بیکاری، کسری بودجه و جناح‌بندی نیروهای سیاسی پس از رحلت امام (ره) روبرو است. در این بستر اجتماعی، هاشمی به‌منظور بهبود اوضاع کشور، سازندگی، بهبود زیرساخت‌ها، افزایش تولید، خصوصی‌سازی، حمایت از بنگاه‌های اقتصادی، ترویج صادرات، تک‌نرخ شدن ارز و غیره را سرلوحه اقدامات خود قرار می‌دهد.

متن دوم سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۱/۶/۱ در یک برنامه تلویزیونی بیان شد.

جدول ۲- تحلیل گفت‌وگوهای سخنرانی هاشمی

واژگان کانونی	مردم، برنامه، مسائل اقتصادی، تولید، سرمایه‌گذاری، کار و اشتغال، درآمد ارزی، صنایع، یارانه، بیمه‌های اجتماعی، مصرف‌کنندگان
---------------	---

۱ - یعنی متن چه درکی از جهان به دست می‌دهد، عقاید و دانش‌هایی که در متن نشان داده شده است چند موردند

واژگان سلبی	عقب‌افتادگی‌های جدی در ابعاد اقتصادی، جنگ تحمیلی، تبلیغات منفی، نرخ منفی، کسری بودجه، فقر و محرومیت
قطب‌بندی‌ها	تولید در مقابل واردات، بازسازی در مقابل خرابی، کار و تولید در مقابل فقر عمومی
مفاهیم	بهبود زندگی، سیاست‌گذاری، بیمه‌های اجتماعی، بیمه درمانی، بهداشت
جان کلام متن	باید با تکیه بر ابعاد معنوی و فرهنگی عقب‌افتادگی‌های اقتصادی جبران شود.
پیش‌فرض‌های سخنان در این متن	<ul style="list-style-type: none"> - کشور در دوره جنگ در حوزه اقتصادی عقب‌افتاده است. - در برنامه‌های توسعه باید بر جنبه‌های اقتصادی مثل تولید بیشترین تأکید گردد. - کار اساسی برای رفع فقر عمومی، تمرکز بر تولید است. - کار اساسی در حمایت از مصرف‌کنندگان نیز تولید و اشباع بازار از طریق افزایش تولید است.

مطابق جدول ۲، آنچه که از پیش‌فرض‌ها استنباط می‌شود این است که توسعه اقتصادی محور همه خط‌مشی‌گذاری‌ها است، یعنی کاهش فقر عمومی، حمایت از مصرف‌کنندگان و... همه از رهیافت تولید، رشد و سرمایه‌گذاری عبور می‌کنند. اصلی‌ترین قطب‌بندی بین تولید در مقابل عقب‌ماندگی، کسری بودجه، فقر و محرومیت است. علاوه بر توسعه اقتصادی در این متن به مسکن و بیمه‌های اجتماعی هم توجه شده است. اپیزودهای معنایی این متن به شرح زیر است:

۱. بازسازی و ترمیم.
۲. ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت
۳. بیان عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف از جمله طبقات محروم و بیمه درمانی و بیمه‌های اجتماعی
۴. راه صحیح مقابله با محرومیت از طریق تولید
۵. حمایت از مصرف‌کنندگان با افزایش تولید و اشباع بازار

در راستای تبیین این متن، باید گفت که شرایطی مثل اوضاع وخیم تولید و کسری بودجه تأثیر خود را بر متن در خصوص جهت‌گیری متن بر تولید بر جای گذاشته است، اما شرایط دشوار سازندگی و بالا رفتن انتقادات در خصوص فشار بر محرومین، موجب شده است در راستای کاهش انتقادات خط‌مشی‌هایی به‌صورت واکنشی تدوین شوند، این خط‌مشی‌های واکنشی شامل مقوله‌هایی مانند بیمه‌های اجتماعی و توجه به محرومین هستند. اگرچه خط‌مشی‌های حمایتی ممکن است در ظاهر موجب کاهش تولید ناخالص داخلی گردند، اما این سیاست‌ها کارکرد تلطیف‌سازی فضای سیاسی و اجتماعی را بر عهده‌دارند تا مسیر برای راه‌اندازی تولید که محور این گفت‌وگو است، آماده شود. یعنی خط‌مشی‌های حمایتی در اینجا به‌نوعی در خدمت هدف اصلی یعنی افزایش تولید و رشد قرار گرفته‌اند.

متن سوم سخنرانی هاشمی در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۷۲ در مراسم تحلیف انجام شد. هاشمی در شرایطی در حضور مسئولان عالی کشور در صحن مجلس سخنرانی می‌کرد که رأی بالایی اصلی‌ترین رقیب یعنی احمد توکلی، موجب تعجب ناظران سیاسی شده بود.

جدول ۳- تحلیل گفت‌وگوهای متن سوم هاشمی (مرداد ۱۳۷۲)

واژگان کانونی	سویسید غیرعادلانه، عدالت اجتماعی، هزینه نسل آینده، اعتلای کشور، بیت‌المال، بازسازی، زندگی شخصی، سوخت مصرفی
واژگان سلبی	ضد عدالت، فساد، غیرعادلانه، ناسازگاری با عدالت اجتماعی، بلعیدن منابع نسل آینده، تهمت
قطب‌بندی‌ها	عدالت در مقابل ضد عدالت، بازسازی در مقابل ویرانی، سویسید عادلانه در مقابل سویسید غیرعادلانه، بلعیدن منابع نسل آینده در مقابل مراقبت از منابع نسل آینده
مفاهیم	عدالت، اعتلا، منابع، نسل آینده
جان کلام متن	باید سویسیدهای ناعادلانه حذف شود تا راه برای اعتلای کشور و مراقبت از منابع نسل آینده هموار گردد.

<p>اعتلای کشور امری دشوار است و ممکن است مردم در میان جوسازی‌های سیاسی قادر به تشخیص صحیح نباشند.</p> <p>ظاهر عدالت می‌تواند باطن ضد عدالت داشته باشد.</p> <p>پرداخت سوبسیدها در کشور ضد عادلانه است.</p> <p>عدالت آن است که با پرداخت هزینه واقعی، قیمت‌ها واقعی شود.</p> <p>زندگی شخصی سخنران اشاره دارد که وی استفاده شخصی از انقلاب نکرده است.</p> <p>محیط آرام بیشتر از محیط ماجراجویانه برای گسترش اسلام و انقلاب تناسب دارد.</p>	<p>پیش‌فرض‌های سخنران در این متن</p>
---	--------------------------------------

این متن تحت تأثیر فضای انتقادی نسبت به رویکردهای توسعه اقتصادی، به‌طور تدافعی عدالت را برجسته کرده است.

اپیزودهای معنایی این متن به شرح زیر است:

۱. اعتلای کشور که از آرمان‌های انقلاب است که با پرداختن به باطن عدالت ممکن می‌شود نه ظاهر عدالت.
۲. پیشرفت و تعالی کشور، توسعه امکانات آموزشی، مخازن و منابع، حق مردم و وظیفه دولت است.
۳. برای توسعه و تعالی کشور محیط آرام و باثبات تناسب دارد نه محیط ماجراجویانه.
۴. پرداخت سوبسید سوخت موجب بلعیده شدن منابع نسل آینده و ضد عدالت است.

در راستای تبیین این متن، باید گفت که این متن تحت تأثیر فضای انتقادی آن برهه زمانی، به عدالت پرداخته است. در واقع تلاشی است برای توجیه سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت، پاسخگویی به انتقادات، کاهش فضای تنش‌زا و هموار سازی بستر جامعه برای توسعه اقتصادی و تولید. با توجه به تحلیل متون، می‌توان گفت که

فضای کلان گفتمان مصادف بر دولت سازندگی، بر محور تولید و توسعه اقتصادی بوده است. این گفتمان با برجسته‌سازی توسعه و تولید سایر مفاهیم مانند تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی، واقعی کردن قیمت‌ها را حول نشانه مرکزی تولید و توسعه اقتصادی گردآورده و نظام معنایی جدیدی را شکل داده که این نظام معنایی جهان خود با تمام اجزاء اقتصادی، اجتماعی را بر ساخت کرده است. البته در مواردی به صورت واکنشی و تدافعی و به منظور آرام‌سازی فضای اجتماعی کنش‌های حمایتی را هم مطرح کرده است.

فهم خط‌مشی‌های بازنشستگی بدون توجه به بسترهای تکوینی و شرایط امکانی نظام معنایی این دوره یعنی گفتمان توسعه اقتصادی و سازندگی که دال مرکزی آن «تولید» است، قابل تصور نیست. بر همین اساس پس از ترسیم فضای کلان گفتمانی، که مشخص شد روح اصلی این دوره تولید و توسعه اقتصادی است، باید معنایابی خط‌مشی‌های بازنشستگی به مثابه جزء در درون این گفتمان مورد تحلیل قرار گرفته شود. بر همین اساس در مباحث بعدی، خط‌مشی‌های بازنشستگی با توجه به برجسته‌ترین نشانه این گفتمان یعنی نشانه تولید مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۲-۴- تحلیل متون مرتبط با بازنشستگی (از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵) در بستر گفتمان

توسعه اقتصادی

گفتمان سیاسی و اجتماعی مصادف با دوره سازندگی با دال مرکزی تولید و توسعه اقتصادی، شرایط امکانی برای تدوین خط‌مشی‌های مرتبط با بازنشستگی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه و مصوبات سوم و چهارم مجلس فراهم ساخت، بر همین اساس این خط‌مشی‌ها در بستر گفتمان زمینه‌ای تحلیل می‌شوند. در برنامه اول توسعه، اگرچه هیچ تبصره‌ای به صورت مجزا به بازنشستگی نپرداخته است، اما با توجه به جهت‌گیری دولت به تأمین اجتماعی (که مقوله بازنشستگی هم از زیرمجموعه‌های آن

است) با رجوع به جدول ۴ صرفاً سه مصوبه در خصوص تأمین اجتماعی به چشم می‌خورد که به‌قرار زیر است:

جدول ۴- بازنشستگی در قانون برنامه اول

ردیف	برنامه توسعه	تبصره	مضمون
۱	برنامه اول	هدف کلی برنامه	تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی
۲	برنامه اول	بند ۴-۵ خط‌مشی‌های برنامه	تهیه و تدوین چارچوب نظام تأمین اجتماعی بر اساس اصل ۲۹ قانون اساسی و زمینه‌سازی اجرای این اصل
۳	برنامه اول	بند ۶-۵ خط‌مشی‌های برنامه	تعمیم بیمه‌های اجتماعی با اولویت روستاییان، عشایر و گروه‌های آسیب‌پذیر

در توضیح نشانه‌هایی که در برنامه اول نمود پیدا کرده است، باید گفت که برجسته‌سازی نشانه «چارچوب‌بندی» در راستای دال مرکزی گفتمان حاکم بر دولت، یعنی تولید قرار دارد، چراکه شرایط بازسازی پس از جنگ و ضرورت اهتمام بر تولید، باعث شده است تا برای اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی یک چارچوب مشخص گردد. چارچوب در اینجا یعنی اجرای اصل ۲۹ در درون محدودیت‌های منابع. نشانه بعدی تعمیم بیمه‌های اجتماعی با اولویت روستاییان و عشایر است. این نشانه از منظر این‌که روستاییان و عشایر نقش مهمی در تولید مواد غذایی، دامی و مواد اولیه بر عهده‌دارند، حمایت از آن‌ها به‌نوعی حمایت از پتانسیل‌های بالقوه طبیعی کشور برای تولید است. اما می‌توان نشانه تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی را تعهد دولت به مهم‌ترین میراث سیاسی یعنی اصل ۲۹ دانست که این اصل در شرایط آرمانی اوایل انقلاب به تصویب رسیده بود و به‌مثابه مسیر وابستگی، دولت‌های بعدی را به خود وابسته کرده بود. در حداثی‌های برنامه اول و دوم توسعه، انتقادات در زمینه کمبود

حمایت‌های اجتماعی دولت شدت یافت و دولت ششم را در فشار قرار داد. همچنین رخدادهای مثبتی مثل کاهش نرخ تورم از ۴۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۲۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ و افزایش بودجه دولتی زمینه را برای حمایت‌های اجتماعی نیز فراهم کرد.

جدول ۵- بازنشستگی در قانون برنامه دوم توسعه

ردیف	برنامه توسعه	تبصره	مضمون
۱	برنامه دوم	بند ۱ خط‌مشی‌های	نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور
۲	برنامه دوم	۴۳	پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی
۳	برنامه دوم	۶۳	تأسیس صندوق ذخیره فرهنگیان و استرداد سهم الشرکه آنان در هنگام بازنشستگی

در توضیح نشانه‌های دارای نمود در برنامه دوم، باید گفت نشانه حمایتی از جانبازان انقلاب و جنگ تحمیلی، معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور، دلایل فراوانی می‌تواند داشته باشد، تعهد و وفاداری دولت به میراث‌های سیاستی نظام و کاهش انتقادات وارده بر دولت به‌منظور هموارسازی فضای کشور برای تولید و حمایت از مشاغل سخت و زیان‌آور، خود نوعی ترغیب برای نقش‌های سخت که لازمه تولید است، می‌باشد. نشانه پرداخت دیون، یک نوع نشانه حمایتی است که بخشی از دیون در دوره قبل و بخشی نیز به دلیل تعدیل و کوچک‌سازی در دوره سازندگی شکل گرفته است، پرداخت دیون نوعی حمایت از صندوق‌ها و کاهش اعتراضات را در پی خواهد داشت. تأسیس صندوق ذخیره فرهنگیان نیز نشانه حمایتی از فرهنگیان است، این نشانه حمایتی می‌تواند موجب تلطیف فضای سیاسی و کاهش فشار و انتقادات از سوی فرهنگیان بر دولت شود.

به طور خلاصه در تحلیل برنامه‌های اول و دوم توسعه باید گفت که نشانه‌های نمود پیدا کرده در آن‌ها، یا مستقیماً در راستای پشتوانه بودن برای تولید است و یا به طور واکنشی تلاش می‌کند که فضای سیاسی و اجتماعی را برای راه‌اندازی تولید هموار سازد. اگرچه ظاهراً نشانه‌های اقتصادی و بیمه‌ای این دوره ادامه دوره قبل است، اما تفاوت معنایی با هم دارند. نشانه‌های حمایتی در دوره قبل یعنی گفتمان مصادف با انقلاب و جنگ، خود تهاجمی و برای کاهش فاصله طبقاتی بوده است اما نشانه‌های حمایتی در دوره سازندگی از نوع واکنشی و از سر ناچاری بوده است و معنای آن تلطیف فضای سیاسی برای هموار سازی تولید بوده است.

با توجه به اهتمام ویژه مجلس به توسعه اقتصادی و تحکیم زیرساخت‌های اقتصادی کشور، می‌توان ادعا کرد که گفتمان حاکم بر مجلس در این دوره، همان گفتمان حاکم بر دولت یعنی گفتمان توسعه اقتصادی با محوریت تولید بوده است. در مصوبات مجلس سوم، ۷ مصوبه درباره بازنشستگی به شرح جدول ۶ وجود دارد.

جدول ۶- بازنشستگی در مصوبات مجلس سوم

ردیف	مجلس	تاریخ تصویب	مضمون مصوبات
۱	سوم	۱۳۶۷/۰۹/۰۱	نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب، جنگ، معلولین عادی، مشاغل سخت و زیان‌آور (۲۰ سال تمام و سنوات ارفاقی)
۲	سوم	۱۳۶۷/۰۹/۲۰	حقوق والدین بازنشسته و وظیفه و مستمری‌بگیر شهدا و جانبازان و مفقودین انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی
۳	سوم	۱۳۶۸/۱۱/۲۶	تشویق معلمان (که با ۳۰ سال خدمت بازنشسته شده‌اند) به انصراف از بازنشستگی و ادامه همکاری به دلیل نیاز به تخصص آن‌ها. تشویق مثل عدم کسر کسورات بازنشستگی و تعلق مالیات فقط به فوق‌العاده ثابت شغل
۴	سوم	۱۳۶۸/۱۲/۱۳	اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری (میزان معدل خالص حقوق... در سه سال آخر)

تحلیل سیاست‌های بازنشستگی در بستر گفتمان سیاسی و ... ۲۲۱

اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به پایه حقوق اعضاء رسمی هیأت علمی (آموزشی و پژوهشی) شاغل و بازنشسته دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	۱۳۶۸/۱۲/۱۶	سوم	۵
تمدید مهلت قانون بازنشستگی پیش از موعد بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی	۱۳۷۰/۰۶/۲۴	سوم	۶
اصلاح بند ب تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی. بازنشستگی مستخدمین زن با ۲۰ سال سابقه خدمت به تأیید شورای نگهبان رسید.	۱۳۷۰/۱۰/۰۳	سوم	۷

در توضیح نشانه‌هایی که در مصوبات مجلس سوم نمود پیدا کرده است، باید گفت که در این مصوبات تعدادی نشانه حمایتی وجود دارد. این نشانه‌های حمایتی شامل حمایت از جانبازان انقلاب، جنگ، معلولین، مشاغل سخت و زیان‌آور (۲۰ سال تمام و سنوات ارفاقی)، حمایت از خانواده شهدا و... که این نوع حمایت‌ها نوعی واکنش به شرایط و اقتضائات زمینه دوره انقلاب و دفاع، کاهش نارضایتی‌های افشار انقلابی و... بشمار می‌رود. بخشی از نشانه‌های دیگر مثل اصلاح حقوق بازنشستگی بر مبنای سه سال آخر خدمت پرداخت بدهی‌های دولت به صندوق‌ها و نظام هماهنگ نوعی حمایت محسوب می‌شوند. برای کاهش بار انتقادات بر دولت، به منظور هموارسازی مسیر تولید. نشانه‌هایی مثل تشویق معلمان به انصراف از بازنشستگی و ادامه همکاری در راستای تأمین منابع انسانی تولید و توسعه قابل توجیه است.

این مصوبات نیز به نوبه خود بار بحران بازنشستگی را تشدید کرده است. بخشی از تشدید بار به نشانه‌های حمایتی برمی‌گردد که به صورت واکنشی و برای تلطیف فضای سیاسی انجام شد مثل گسترش شمول بازنشستگی، حمایت از بازنشستگی والدین شهدا و کاهش سن جانبازان که می‌توانست این حمایت‌ها در قالب منطق

امدادی و غیراقتصادی و بیرون از صندوق‌ها صورت گیرد یعنی بار آن بر صندوق‌ها تحمیل نشود. بخشی از بار بحران به‌نظام هماهنگ و تغییر مبنای حقوق بازنشستگی مربوط می‌شود و بخشی از بحران به تقلیل معنایی مربوط است. مثل تقلیل معنای کوچک‌سازی دولت به کاهش حجم، که منجر به سیاست تعدیل و بازنشست کردن افراد و در نتیجه بحرانی‌تر شدن اوضاع صندوق‌ها گردید. مجلس چهارم در کل ۶ مصوبه را در خصوص بازنشستگی به تصویب رساند.

جدول ۷- بازنشستگی در مصوبات مجلس چهارم

ردیف	مجلس	تاریخ تصویب	مضمون مصوبات
۱	چهارم	۱۳۷۱/۰۷/۱۵	ممنوعیت بازنشستگی فرهنگیان تا پایان سال تحصیلی ۱۳۷۲ - ۱۳۷۱ (افزادی که با حکم هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری بازنشسته می‌شوند مشمول این قانون نخواهند بود). یعنی برخی به دلیل تخلفات اداری بازنشسته می‌شوند و معنای بازنشستگی از سوی هیات‌های رسیدگی به تخلفات، تنبیه و مجازات متخلف است
۲	چهارم	۱۳۷۱/۱۰/۲۳	شمول تبصره قانون نحوه بازنشستگی جانبازان، معلولین، مشاغل سخت... به کارکنان واحدهای صنعتی و تحقیقاتی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
۳	چهارم	۱۳۷۲/۰۲/۱۹	نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت
۴	چهارم	۱۳۷۲/۰۶/۲۳	نظام هماهنگ حقوق بازنشستگی و وظیفه (اگر حقوق بازنشستگی و... از حداکثر تعیین شده تجاوز کند، دوسوم مبلغ مازاد بر حداکثر حقوق مطابق نظام هماهنگ به‌عنوان حقوق بازنشستگی قابل پرداخت است)
۵	چهارم	۱۳۱۳۷۲/۱۱/۲۵	اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی و وظیفه
۶	چهارم	۱۳۷۲/۰۲/۲۲	اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به پایه حقوق اعضای رسمی هیأت علمی (آموزشی و پژوهشی) شاغل و بازنشسته دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

در توضیح نشانه‌های نمود یافته در مصوبات مجلس چهارم، نشانه ممنوعیت بازنشستگی فرهنگیان در راستای دال مرکزی یعنی تولید قرار دارد، چراکه برای به گردش درآوردن چرخه تولید و توسعه در کشور به نیروهای فعال و متخصص نیاز بود. نشانه شمول تبصره قانون نحوه بازنشستگی جانبازان، معلولین، مشاغل به کارکنان واحدهای صنعتی و تحقیقاتی وزارت دفاع از منظری در راستای حمایت مستقیم از تولید است چراکه واحدهای صنعتی و تحقیقاتی دفاعی در دوران جنگ، نقش مؤثری در تولید تسلیحات دفاعی و در دوره پساجنگ، نقش قابل توجهی در تولید تجهیزات غیرنظامی از قبیل لوازم خانگی و... بر عهده داشته‌اند. اما از منظری دیگر هم حمایت غیرمستقیم از تولید بشمار می‌رود، چراکه حمایت از افراد آسیب‌دیده اگر چه در وهله اول موجب تخصیص منابع و کاهش درآمد کل می‌گردد، اما با نشان دادن تعهد مجلس به محرومین، موجب جلب رضایت قشر محروم و کاهش بار انتقادات و آرام‌سازی فضای اجتماعی و مساعد شدن بستر برای به گردش درآوردن چرخه تولید می‌گردد.

مصوبه‌هایی از قبیل تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی، اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی، به‌ویژه نظام هماهنگ حقوق و اصلاح پایه حقوق اعضای رسمی هیات علمی شاغل و بازنشسته، نشانه‌هایی هستند که تحت تأثیر فضای گفت‌وگویی با محوریت تولید نمود پیدا کردند. در خصوص این نشانه‌ها باید گفت که توسعه اقتصادی دولت‌محور باعث شد تا سازمان‌های دولتی فراوانی ایجاد شوند در نتیجه کارکنان دولت رشد قابل توجهی پیدا کرد. رشد کمی و حجمی دولت یعنی خیل عظیمی از نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی با مطالبات رفاهی اقتضا پساجنگ تلاقی پیدا کرد، در نتیجه مطالبات عادلانه در خصوص دستمزدها نهادهای سیاست‌گذاری از قبیل دولت و مجلس را تحت فشار شدید قرار داد. در پاسخ به مطالبه دستمزدهای عادلانه، سیاست‌گذاران این دوره، نظام هماهنگ‌سازی حقوق و دستمزد را تحت تأثیر الگوهای حقوق و دستمزد در کشورهای غربی بدون توجه بر ویژگی‌های مکان‌مندی و زمان‌مندی روایت تأمین اجتماعی ایرانی مطرح کردند. در نتیجه این طرح بار سنگین را بر صندوق‌ها تحمیل کرد.

با توجه به تحلیل متون، می‌توان ادعا کرد که مفهوم بازنشستگی در بستر گفتمان زمینه سازندگی / توسعه اقتصادی را باید حول تولید معنایی کرد. یعنی یا به‌طور مستقیم در راستای به‌گردش درآوردن چرخه تولید است و یا این حمایتی است و به‌طور مستقیم در پی کاهش انتقادات سیاسی و اجتماعی، آرام‌سازی و تلطیف فضای سیاسی و اجتماعی کشور، با هدف راه‌اندازی تولید بوده است. می‌توان مفصل‌بندی بازنشستگی را در بستر گفتمان زمینه‌ای دوره سازندگی به شرح زیر نشان داد.



شکل ۳- مفصل‌بندی بازنشستگی بر مبنای گفتمان سازندگی

۲-۵- تقلیل معنایی و تشدید بحران صندوق‌های بازنشستگی

در ارزیابی انتقادی گفت‌وگوهای بازنشستگی، باید گفت که شرایط خاص اجتماعی و سیاسی موجب شد تا معنای «توسعه اقتصادی» در این گفت‌وگوها به معنای «توسعه دولت‌محور» تقلیل داده شود. در واقع توسعه اقتصادی در این گفت‌وگوها یک فرایند طبیعی نبوده، بلکه یک برنامه و پروژه‌ای دولتی محسوب می‌شود. اگرچه دولت‌ها و مفاهیمی از قبیل «خصوصی‌سازی»، «رشد اقتصادی»، «تمرکززدایی»، «تعديل اقتصادی»، «کاهش کسری بودجه» را حول «تولید و توسعه اقتصادی» گرد آورد، اما تحت فشارهای اجتماعی و سیاسی، این مفاهیم به توسعه دولت‌محور معنایی گردید.

یعنی تقلیل معنایی موجب شد تا بین دال‌هایی مثل تمرکزگرایی در مقابل تمرکززدایی و حمایت از اقشار محروم در مقابل رشد اقتصادی، تناقض، ایجاد شود. در این برهه «دولت‌محور بودن» با «تمرکزگرایی مدیریت دولتی» همراه شد، از طرف دیگر، خصوصی‌سازی در این برهه، از خصوصی‌سازی و تعديل اقتصادی با برداشت از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که با گفت‌وگوهای نئولیبرال که بر حذف یا حداقل سازی دولت تکیه دارد، فاصله زیادی پیدا کرد. تأثیر تقلیل معنایی در «تمرکزگرایی مدیریت دولتی» بر بازنشستگی را باید در عدم شکل‌گیری بخش خصوصی واقعی، فقدان ظرفیت‌سازی برای سرمایه‌گذاری و تأمین منابع بازنشستگی از محل سرمایه‌گذاری جستجو کرد.

درواقع سیاست‌های مالی دولت در قبال صندوق‌های بازنشستگی با توجه به تمرکزگرایی دولتی، در افق زمانی بلندمدت موجب وابستگی صندوق‌ها به دولت و انباشت تعهدات برای نسل‌های آینده شده است. از منظر دیگر علاوه بر تمرکزگرایی دولتی، تأثیر انباشت تعهدات بر طرف دیگر مسئله یعنی نسل‌های آینده مورد توجه قرار گرفته نشده است. بنابراین می‌توان مدعی شد که مفاهیم اساسی در این گفت‌وگوها از قبیل توسعه اقتصادی تک‌سویه و تقلیلی دیده شده است. یعنی این‌که در امر توسعه اقتصادی و سیاست‌های حمایتی به‌منظور تلطیف فضای کشور، نسل آینده متأثر از سیاست‌های

بازنشستگی نادیده گرفته شده‌اند. در واقع مفاهیم به معنای زمان حال و کوتاه‌مدت تقلیل یافته و معنای بلندمدت به حاشیه رانده شده‌اند و تغییرات و تحولات و روندهای آینده مدنظر قرار گرفته نشده‌اند.

در راستای تقلیل معنایی، یعنی حاشیه رانی معنای بلندمدت، باید به نشانه تعدیل نیروی انسانی و کوچک‌سازی دولت در این دوره اشاره کرد. یکی از غفلت‌های راهبردی در این دوره تقلیل «کوچک‌سازی دولت» به «کاهش حجم دولت» است. یعنی در این دوره کوچک‌سازی دولت به معنای «کاهش حجم دولت» و «کاهش حجم سازمان‌های دولتی» تقلیل یافت، در حقیقت، «معنای کاهش هزینه‌های دولتی» به حاشیه رانده شد. در این راستا اگرچه سازمان‌ها ظاهراً و از نظر نیروی شاغل کوچک‌تر شدند، اما به دلیل سرازیر کردن افراد به صندوق‌های بازنشستگی، بار سنگینی بر صندوق‌ها و بودجه عمومی تحمیل گردید. بر همین اساس، سازمان‌های دولتی اگرچه از نظر تعداد و حجم سازمان‌های دولتی و دولت کاهش یافتند، اما از نظر تعهدات، هزینه‌ها و بار تکفل دولتی، وضعیت، حالت بحرانی پیدا کرد. تصویب قانون بازنشستگی پیش از موعد و تصویب قانون تعدیل نیروی انسانی مصداق این تقلیل معنایی است.

بدین ترتیب، دولت نیروی انسانی مازاد خود را تعدیل و بازخرید کرد. بخشی از نیروی انسانی تعدیل شده با سن و سابقه بالا، بدون پرداخت حق بیمه بر اساس منطق بیمه‌ای، سوابق خود را وارد سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی کرده و بلافاصله بازنشست شدند. بازنشست کردن افراد تعدیل شده موجب افزایش مصارف صندوق‌های بازنشستگی و تشدید بحران مالی شد و از آنجا که تعهدات و هزینه‌های صندوق‌های بازنشستگی در نهایت به‌عنوان هزینه‌های قطعی دولت محسوب می‌شود، نتیجه این تقلیل معنایی، بزرگ شدن هزینه‌های کل دولت بود. در این دوره، دو قانون معافیت کسور سهم کارمند خدمات مازاد بر ۳۰ سال موضوع تبصره ۲ ماده ۳ قانون مصوب ۱۳۶۸ توانست ۱۱۴ میلیارد تومان هزینه‌های صندوق کشوری را افزایش دهد (طهرانی، ۱۳۹۵).

در راستای تقلیل معنایی، در این دوره نظام هماهنگ حقوق و دستمزد به تصویب رسید. تقلیل معنایی که در هماهنگ‌سازی رخ داد، این بود که این طرح فقط به افزایش حقوق و دستمزد پایین فروکاست. یعنی فقط افرادی که حقوقشان پایین بود افزایش یافت، اما حقوق و دستمزدهای بالا کاهش نیافت. یعنی در هماهنگ‌سازی فقط کف به سمت سقف بالا رفت، اما سقف در جای خود ثابت ماند. نتیجه این تقلیل معنایی موجب افزایش حقوق بازنشستگی افرادی بود که حق بیمه خود را مطابق ماقبل نظام هماهنگ پرداخته بودند، گردید. مواد ۱۵ و ۱۶ قانون نظام هماهنگ مصوب ۱۳۷۰، مبلغ ۳۱۰ میلیارد تومان هزینه‌های صندوق بازنشستگی کشوری را افزایش داد (همان منبع). همچنین قانون نظام هماهنگ پرداخت در ۱۳۷۴ در حدود ۴۴ هزار و ۹۶ میلیارد تومان هزینه‌های صندوق‌ها را افزایش داد (همان منبع).

۲-۶- روایت‌پردازی سناریوی آینده کارآیی بازار

وقتی که گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی توسعه اقتصادی با دال مرکزی تولید و توسعه تسلط یابد، انتظار می‌رود که شرایط تکوینی برای برسازگی روایت کارآیی بازار را فراهم سازد. در آینده، سطح بسیار پایینی از بودجه عمومی صرف بازنشستگان و سالمندان می‌شود، چراکه تصور غالب این است که ورود دولت به سیاست‌های حمایتی از قبیل حمایت از بازنشستگان و سالمندان موجب افول رشد اقتصادی، از بین رفتن اخلاق کار و فعالیت و سرانجام کاهش رشد تولید و توسعه می‌شود، در این صورت همه از جمله بازنشستگان و سالمندان متضرر خواهند شد. بنابراین منابع کشور صرف حمایت‌های اجتماعی نخواهد شد، مگر به صورت واکنشی و مصلحتی برای فرونشاندن اعتراضات اجتماعی سیاسی، که آن‌هم به‌طور مقطعی خواهد بود. جریان‌های سیاسی غالباً وعده‌های تولید و اشتغال را مطرح می‌کنند. این سناریو در قالب داستان‌پردازی به صورت زیر بیان می‌شود:

پرده اول: انتخابات ۱۴۰۰

سال ۱۴۰۰ سال انتخابات ریاست جمهوری است. با ورود به دهه چهارم پس از پیروزی انقلاب، بار تکفل دولتی به حالت بحرانی رسیده است. سیاست‌های حمایت از سالمندان و بازنشستگان هزینه‌های سنگینی را بر دوش دولت گذاشته، که بخش عمده کسری بودجه دولت را به خود اختصاص می‌دهد. بدین ترتیب اقتصاد کشور رو به افول است، تولید پایین است، بخش خصوصی بسیار ضعیف، تورم و رکود به‌طور توأم جامعه را در فشار مضاعفی قرار داده است، به‌رغم تخصیص منابع عمومی به سیاست‌های اجتماعی، محرومیت و فقر در بین سالمندان و بازنشستگان نیز موج می‌زند. مجموع شرایط اجتماعی و اقتصادی این باور را در بین سیاست‌گذاران تقویت می‌کند، که ورود دولت در سیاست‌های حمایتی باعث افول اقتصادی و زیان همه‌آحاد از جمله بازنشستگان و سالمندان خواهد بود، بنابراین لازم است دولت به‌طور حداکثری از سیاست‌های اجتماعی حمایتی خارج شود تا هزینه‌های دولت کاهش یافته و رشد و توسعه به مسیر خود برگردد، در این صورت است که با رشد و توسعه و با افزایش تولید و درآمد کشور، رفاه همه از جمله بازنشستگان نیز تأمین می‌شود.

۱۵ اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۰ است، جمعیت کثیری از اقتصاددانان، سیاست‌گذاران طرفدار بخش خصوصی، صندوق‌های بازنشستگی و غیره در هتل استقلال تهران همایش «آینده بازنشستگی» برگزار کرده‌اند. اکثریت قاطع سخنرانان، علت اصلی مشکلات کشور را افزایش بار تکفل دولتی ناشی از بازنشستگان دانسته‌اند، که پیامدهای آن افول اقتصاد کشور است. از دیدگاه طرفداران بخش خصوصی دولت با انحصار تمام حوزه بازنشستگی، جایی برای تنفس بخش خصوصی نمی‌گذارد و در ضمن بسیاری از تعهدات بر صندوق‌ها تحمیلی است که دولت بر صندوق‌ها سوار کرده است. دولت از این عرصه باید خارج شود تا مکانیزم بازار فعال شود.

در جریان انتخابات ۲۹ اردیبهشت سال ۱۴۰۰، در مناظره تلویزیونی انتخابات ریاست جمهوری است که گروه‌ها نسبت به مشکلات بی‌پایان بازنشستگان و انحصار

منابع عمومی به آن‌ها اعتراض دارند. همچنین گروه‌های سالمند و بازنشسته نیز نسبت به ناکارایی دخالت دولت در ایجاد رفاه اعتراض دارند. در این مناظره نحوه خلاص شدن از بار تکفل بازنشستگی که باعث افول اقتصاد شده است، همه مباحث انتخاباتی را تحت تأثیر قرار داده است، چراکه بخش قابل توجهی از فعالین اقتصادی، جوانان و سایر گروه‌های رأی‌دهنده نسبت به وضعیت افول رشد اقتصادی نگران هستند. در این مناظره آقای X اقتصادی، به‌عنوان نامزد طرفدار خروج دولت از سیاست‌های حمایتی بر سایر رقبا برتری دارد. او علت تمام مشکلات را کاهش تولید و افول اقتصاد می‌داند و همچنین ورود دولت به سیاست‌های اجتماعی را باعث تشدید این بحران می‌داند، بنابراین توصیه می‌کند که دولت با عقب‌نشینی از حمایت‌های اجتماعی از قبیل بازنشستگی، بار تکفل و هزینه‌های خود را کاهش دهد تا منابع وارد شریان‌های اصلی تولید و توسعه شود.

وقتی که آقای X اجتماعی نامزد جریان سیاسی رقیب، به تبعات ناشی از عقب‌نشینی دولت از سیاست حمایت از بازنشستگان، اشاره می‌کند و می‌گوید که گروه‌های بازنشستگان محروم در این طرح زیان می‌کنند، آقای اقتصادی گفت، با ادامه این سیاست همه کشور در حال زیان و ضرر است از جمله بازنشستگان و با راه انداختن تولید و اشتغال، کشور به رشد و بالندگی می‌رسد، بنابراین با تولید ثروت و ثروتمند شدن کشور، رفاه همه اقشار از جمله بازنشستگان و سالمندان نیز بهتر می‌شود. بنابراین باید سیاست‌های حمایت از بازنشستگان (به‌ویژه از طریق برداشت از منابع عمومی) کنار گذاشته شود، اقتصاد کشور رونق یابد، در این صورت با کارایی بازار همه متفجع خواهند شد.

عمده محافل اقتصادی و نهادهای بین‌المللی با گفتمان نئولیبرال، این نوع طرح‌ها را تبلیغ می‌کنند و شبکه‌های اجتماعی نیز با شیوع این باور که ارتقاء رفاهی اجتماعی در گرو عقب‌نشینی دولت از سیاست‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری است، فضای سیاسی - اجتماعی برای رویکرد حداقلی دولت نسبت به سیاست‌های اجتماعی را آماده

می‌کنند. در این فضای اجتماعی در ذهن جمعی مردم شعارهای سرمایه‌گذاری، کارآیی بازار، معادل با رفاه معنایی می‌گردد، بنابراین با رأی خود آقای اقتصادی نماد گفتمان کارآی بازار را به قدرت می‌رسانند.

پرده دوم: تسلط گفتمان کارآیی بازار بر نهادهای سیاست‌گذاری

سال ۱۴۰۲ است. محیط نهادی و قانونی برای کارآیی بازار در بخش بازنشستگی مهیا شده است. در کشور در کنار مجلس شورای اسلامی، یک مجلس دیگر با عنوان مجلس عالی قانون‌گذاری بین نسلی تأسیس شده است. در خصوص استخدام، بازار کار، بازنشستگی و غیره قوانین جدیدی را به تصویب می‌رسانند که روح و دال مرکزی این مصوبات «اخلاق کار» و «کارایی بازار» است. در این مصوبات بر اخلاق کار به‌عنوان کانون وحدت و انسجام در کشور تأکید می‌شود و ریل‌گذاری به‌گونه‌ای است که جذابیت کار بیشتر از بازنشستگی است و افراد جامعه تمایلی به بازنشست شدن ندارند. از طرف دیگر، دولت به‌صورت حداقلی گروه‌های خاصی از بازنشستگان را که نمی‌توانند تحت پوشش بیمه‌های خصوصی قرار گیرند، پوشش می‌دهد. بر این اساس، سهم بازنشستگی از منابع عمومی بسیار ناچیز است. در مجلس قوانینی به تصویب می‌رسد، که ضمن رفع موانع برای بخش خصوصی، فضا برای فعال‌سازی شرکت‌های بازنشستگی خصوصی باز می‌شود. در این مرحله ما با عدم قطعیت مواجه می‌شویم، نمی‌دانیم که آیا شرایط بین‌المللی و داخلی مطلوب و مساعد خواهد بود یا نه. بنابراین در هر دو شاخه مطلوب و نامطلوب داستان را ادامه می‌دهیم

سناریوی مطلوب: بهبود روابط بین‌الملل و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری

در این سناریو، رخدادهای تازه‌ای به وقوع پیوسته که محیط را برای سرمایه‌گذاری مساعد می‌کند، یعنی رکن مهم تأمین اجتماعی که همانا سرمایه‌گذاری است، قابلیت سازی می‌شود. مراکز متکثر قدرت و جریان‌های سیاسی و مسئولین عالی کشور بر سر

مباحث بین‌المللی به توافق می‌رسند و این همگرایی موجب بهبود روابط و کاهش ریسک سیاسی قابل توجهی می‌شود. توافق و تفاهم جریان‌های سیاسی موجب شفاف‌سازی قوانین و تفسیرهای همگرا شده و ثبات محیط داخلی را افزایش می‌دهد. نتیجه این رخدادها، توسعه بازارهای مالی و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و پیوند صندوق‌های بازنشستگی با شرکت‌ها و بازارهای مالی جهانی است. صندوق‌های بخش خصوصی به صورت کمی و کیفی رشد قابل توجهی کرده است. با رشد و رونق اقتصادی وضعیت درآمد و پس‌انداز افراد بهتر شده است بر همین اساس، افراد جامعه به‌ویژه کارکنان، سالمندان، و بازنشستگان می‌توانند در صندوق‌های بازنشستگی خصوصی عضو شوند، و دارایی‌های خود را از طریق آن‌ها بیشینه کنند. وجود جمعیت قابل توجهی از سالمندان که از سطح پس‌انداز قابل قبولی برخوردار هستند، موجب افزایش صندوق‌های بازنشستگی، سرمایه‌گذاری در حوزه بازنشستگی، و بهبود خدمات و رقابت شده است. در واقع توفیق طرح‌های سرمایه‌گذاری در بخش بازنشستگی و پس‌اندازهای مالی بازنشستگان بر یکدیگر اثر متقابل داشته و منجر به طرح‌های بلندمدت شده است. کشور مجهز به بازار سرمایه و بورس ویژه بازنشستگی شده است. در بازار بیمه بازنشستگی، اندوخته‌های مالی بلندمدت برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به اندازه کافی وجود دارد. یعنی رشد کمی صندوق‌ها و بازارهای سرمایه بر یکدیگر تأثیر گذاشته و منابع پایدار را جذب کرده است.

سناریوی نامطلوب: فشارهای اجتماعی و سیاسی - خط‌مشی واکنشی -

سرمایه‌گذاری‌های مسموم

در این سناریو، تراکم نیازهای مسکوت مانده انباشته رفاهی، تبدیل به فشارهای اجتماعی، سیاسی و در مراحل دیگر به بحران‌های امنیتی برای کشور می‌شوند. فشار فزاینده نیازهای انباشته، مردم را بی‌حوصله و بی‌تاب کرده است. بنابراین آن‌ها طرح‌های بلندمدت مدت و دیر بازده را نمی‌پذیرند و در نتیجه دولت، مجلس و نهادهای

سیاست‌گذاری در گردها به مطالبات کوتاه‌مدت گرفتار می‌شوند. نتیجه این فشارها، عقب‌نشینی از قابلیت‌سازی برای سرمایه‌گذاری و ورود دولت به سیاست‌های حمایتی برای آرام‌سازی فضای اجتماعی است. این عقب‌نشینی‌ها تا جایی پیش می‌رود که کما فی‌السابق بحران تشدید و به آینده منتقل می‌شود.

صندوق‌های بازنشستگی در این سناریو با چالش‌های حیاتی مواجه می‌شوند. از یک سو ارتباط مالی آن‌ها با منابع عمومی و دولت قطع شده است و از سوی دیگر در اقتصاد، الزامات و اقتضات ضروری برای کسب و کارهای ارزش‌آفرین و سرمایه‌گذاری مولد به وجود نیامده است. در اینجا ممکن است صندوق‌های بازنشستگی از سر ناچاری، منابع حاصل از حق بیمه را در منطقه خاکستری اقتصاد مثل سوداگری و واردات سرمایه‌گذاری کنند. در این صورت صندوق‌های بازنشستگی هم به دلیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های خاکستری غیر مولد پیامدهای مخربی برای اقتصاد کشور خواهند داشت. اول این که باعث افزایش نرخ بازدهی نسبی سرمایه‌گذاری‌های غیر مولد می‌شوند و دوم، با افزایش تقاضا برای واردات هم موجب بی‌ثباتی ارز و هم با واردات پربازده، موجب تضعیف قابلیت‌های تولید داخلی خواهند شد.

نتیجه بحث

گفتمان توسعه اقتصادی با برجسته‌سازی دال‌های تهی گفتمان قبلی (که به دلیل تمایل نسبتاً چپ که امکان‌های سرمایه‌گذاری در آن نبود)، یعنی با برجسته‌سازی دال تهی سرمایه‌گذاری، رشد و تولید توانست در سال ۱۳۶۸ خود را برای مدتی بر جامعه ایرانی تسلط بخشد. با توجه به این که سرمایه‌گذاری یکی از ارکان اصلی تأمین اجتماعی مدرن (از جمله بازنشستگی..) بشمار می‌رود، این جابجایی می‌توانست فرصت ظرفیت‌سازی برای سرمایه‌گذاری محسوب شود. تسلط گفتمان توسعه اقتصادی و محوری شدن مفاهیم بنیادین آن از قبیل تولید، سرمایه‌گذاری، کوچک‌سازی دولت، بخش خصوصی، با شرایط فنی سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی، نسبت پشتیبانی در

سازمان تأمین اجتماعی عدد ۹ و سایر صندوق‌ها جوان و وضعیت مطلوب، منابع حاصل از حق بیمه در وضعیت خوب و شرایط آماده برای سرمایه‌گذاری، در این برهه مواجه بود. انتظار طبیعی این بود که قابلیت‌های سرمایه‌گذاری که از ارکان صندوق‌های پایدار است با تسلط گفتمان توسعه پایه‌ریزی شود.

اما به‌رغم شعارهای اعلانی و به‌رغم شرایط مساعد فنی و با کمال حیرت نه‌تنها در دوران سازندگی رکن بنیادین تأمین اجتماعی مدرن یعنی قابلیت سرمایه‌گذاری پایه‌ریزی نگردید، بلکه در این دوره هم به‌رغم تفاوت‌های گفتمانی، بحران مالی صندوق‌ها تشدید و در نتیجه بار تکفل دولتی انباشته‌تر، به دوره بعدی منتقل شد! به‌عبارت‌دیگر، این گفتمان اگرچه به لحاظ مضامین، نشانه‌ها، دال‌ها و مدلول‌ها بر محور تولید، سرمایه‌گذاری، رشد و کوچک‌سازی دولت و... تأکید داشت و با گفتمان پیشین که بر کاهش فاصله طبقاتی، توزیع و تقسیم منابع، و... تمرکز می‌کرد، متفاوت و بعضاً متضاد بود، اما در تشدید بحران صندوق‌ها، افزایش بار تکفل دولتی و انتقال بحران به نسل آینده، هیچ تفاوتی با دوره قبلی ندارد و این حیرت‌زا است؟

تحلیل خط‌مشی‌های مرتبط با بازنشستگی در بستر گفتمان زمینه‌ای این دوره نشان می‌دهد، که فقدان شکل‌گیری قابلیت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین تشدید بحران مالی صندوق‌ها و افزایش هزینه‌های دولتی در این دوره به دلایل زیر بوده است.

• تقلیل کوچک‌سازی و تعدیل به کاهش حجم: یافته‌های پژوهش حاکی از این است که اگرچه گفتمان توسعه اقتصادی با گفتمان پیشین از نظر گفتمانی مضامین، نشانه، دال‌ها، مدلول‌ها و.. با هم تفاوت دارند، یعنی یکی بر کاهش فاصله طبقاتی تأکید دارد و دیگری بر رشد و سرمایه‌گذاری و... اما از نظر کوتاه‌مدت بودن و حساس نبودن نسبت به پیامدهای سیاستی در افق زمانی آینده، هر دو کم‌و‌بیش یکسان هستند. یعنی هر دو سوژه در ذیل و درون امکان‌های گفتمان کوتاه‌مدت خط‌مشی‌گذاری کردند. تسلط گفتمان کوتاه‌مدت در این دوره موجب تقلیل معنایی و حاشیه رانی معنای بلندمدت گردید. در این راستا باید به تقلیل معنایی «کوچک‌سازی و تعدیل» به «کاهش حجم» اشاره کرد.

یعنی در این دوره کوچک‌سازی دولت به معنای «کاهش حجم دولت» و «کاهش حجم سازمان‌های دولتی» تقلیل یافت، در حقیقت، «معنای کاهش هزینه‌های دولتی» به حاشیه رانده شد. در این راستا اگرچه سازمان‌ها ظاهراً و از نظر نیروی شاغل کوچک‌تر شدند، اما به دلیل حساس نبودن به آینده، افراد زیادی به صندوق‌های بازنشستگی سرازیر شدند و بار سنگینی بر صندوق‌ها و بودجه عمومی تحمیل شد.

یعنی به‌رغم سیاست اعلانی کوچک‌سازی دولت، دولت از نظر هزینه و بار تکفل سنگین‌تر از قبل شد. در راستای تقلیل معنایی، در این دوره نظام هماهنگ حقوق و دستمزد به تصویب رسید. تقلیل معنایی که در هماهنگ‌سازی رخ داد، این بود که این طرح فقط به افزایش حقوق و دستمزد پایین فروکاست، یعنی فقط حقوق افرادی که حقوقشان پایین بود افزایش یافت، اما حقوق و دستمزدهای بالا کاهش نیافت. یعنی در هماهنگ‌سازی فقط کف به سمت سقف بالا رفت، اما سقف در جای خود ثابت ماند. نتیجه این تقلیل معنایی افزایش حقوق بازنشستگی افرادی بود که حق بیمه خود را مطابق [قانون] ماقبل نظام هماهنگ پرداخته بودند. مواد ۱۵ و ۱۶ قانون نظام هماهنگ مصوب ۱۳۷۰، مبلغ ۳۱۰ میلیارد تومان هزینه‌های صندوق بازنشستگی کشوری را افزایش داد (طهرانی، ۱۳۹۵). همچنین قانون نظام هماهنگ پرداخت در ۱۳۷۴ توانست در حدود ۴۴ هزار و ۹۶ میلیارد تومان هزینه‌های صندوق‌ها را افزایش داد (همان منبع).

- وابستگی به مسیر میراث‌های سیاستی: گفتمان مصادف با سازندگی اگرچه بسیار تلاش می‌کرد که خود را از طریق برجسته‌سازی تولید با گفتمان قبلی متمایز کند و مسیر متفاوتی برای گذار به آینده در کشور بگشاید، اما اصل ۲۹ قانون اساسی به‌مثابه پرقدرت‌ترین میراث سیاستی که برآمده از فضای آرمانی گفتمان‌های اوایل انقلاب بود، همواره دولت و مجلس را در مسیر خاص خود وابسته می‌کرد. دولت و مجلس دوره سازندگی هم با گفتمان متفاوت نتوانست از وابستگی به مسیر اصل ۲۹ خود را آزاد سازد. به نظر می‌رسد که خروج از این ریل سیاستی آرمان‌گرایانه، بسیار دشوار یا غیرممکن باشد.

- فشار مطالبه‌خواهی اجتماعی و خط‌مشی‌های واکنشی: با تسلط گفت‌وگوهای توسعه اقتصادی اگرچه انتظار طبیعی این بود که دولت برای افزایش تولید کل، از سیاست‌های حمایت اجتماعی خارج شود، تا با به گردش درآوردن چرخ‌های تولید، همه مسائل کشور از قبیل فقر عمومی و مسائل تأمین اجتماعی را حل کند؛ یعنی قرار بود که رفع فقر از تولید عبور کند، اما انتقادات و فشارهای اجتماعی ناشی از مطالبات کوتاه‌مدت اجتماعی، دولت و کشور را در شرایط بحران اجتماعی و حتی امنیتی قرار داد. نهادهای سیاستی از قبیل دولت و مجلس به‌منظور تلطیف فضای سیاسی و کاهش انتقادات و در نتیجه آرام‌سازی فضا برای تولید، به تدوین خط‌مشی‌های حمایتی کوتاه‌مدت پرداختند. این خط‌مشی‌های واکنشی اگرچه از نظر معنا و گفت‌وگو توسعه اقتصادی، به معنای کاهش بار انتقادات و هموار سازی فضا برای تولید و توسعه بشمار می‌رود، اما از نظر آثار و پیامدهای میان مدت و بلندمدت، هزینه‌ها و بارهای مالی سنگینی را بر صندوق‌ها تحمیل کرده که منجر به بحران صندوق‌ها و در نهایت تشدید هزینه‌های دولت گردید.
- تقلیل توسعه به توسعه دولت‌محور: خصوصی‌سازی، تعدیل اقتصادی و توسعه با گفت‌وگو نئولیبرال نیاز به الزامات و اقتضائاتی از قبیل، انباشت سرمایه و وجود سرمایه‌داری، نظام‌های حقوقی مدافع سرمایه، قابلیت‌های بخش خصوصی، بازارهای مالی اولیه و ثانویه کارآمد و... دارد. تأمین اجتماعی مدرن در غرب حاصل تکامل طبیعی و تدریجی آن جوامع بوده است، اما در جامعه ایرانی هنوز این الزامات به‌ویژه قابلیت‌های سرمایه‌گذاری بوجود نیامده است. بنابراین در دوره سازندگی به‌رغم تلاش‌های آرمان‌گرایانه توسعه و تولید به توسعه و تولید دولت‌محور تقلیل یافت. با توجه به فقدان قابلیت‌های سرمایه‌گذاری مولد در اقتصاد ایران و جذابیت سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد مثل واردات و همچنین مطالبه‌خواهی‌های رفاهی کوتاه‌مدت جامعه ایرانی از حاکمیت، قابلیت‌سازی حقیقی برای سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری بخش خصوصی دور از دسترس به نظر می‌رسد.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۹)، *گفتمان‌های اجتماعی سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی ایران*، سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اردلان، زهرا. (۱۳۹۱)، «گزینه‌های سیاسی دولت برای پایداری بیمه‌های بازنشستگی با استفاده از رویکرد تعادل عمومی پویا»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد دانشگاه الزهرا*.
- برزین، سعید. (۱۳۷۷)، *جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶*، چاپ دوم، نشر مرکز.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱)، *دیباچه بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ناشر: نگاه معاصر، چاپ اول.
- جلیلی، طیبه. (۱۳۸۷)، «اصلاحات بازنشستگی کارمندان دولت، تجربه کشورهای OECD»، *سازمان بازنشستگی کشوری*.
- حسین زاده، محمدعلی. (۱۳۸۲)، بررسی تحول مواضع دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران.
- حسین زاده، محمدعلی. (۱۳۸۶)، *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دشتیان فاروجی، مجید. (۱۳۹۰)، «بهسازی نظام بازنشستگی و اثرات آن بر انباشت سرمایه و توزیع درآمد در ایران»، *رساله دکتری رشته اقتصاد دانشگاه اصفهان*.
- رجبی، زهرا؛ اصغر گرامی. (۱۳۹۶)، *بررسی وضعیت مالی، بیمه‌ای و اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی*، معاونت اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تیرماه، تهران.
- روغنی زاده، مصطفی. (۱۳۸۲)، «تحلیل ریاضی بر وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه برای آن‌ها»، *سازمان بازنشستگی کشوری*.
- روغنی زاده، مصطفی. (۱۳۸۴)، تحلیل ریاضی بر وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران و طراحی سیستم بهینه، *سازمان بازنشستگی کشوری*.
- *سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی*. (۱۳۹۵)، دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی.
- سلطانی، سید علی‌اصغر. (۱۳۹۱)، *قدرت گفتمان*. (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، نشر نی

تحلیل سیاست‌های بازنشستگی در بستر گفت‌وگوهای سیاسی و ... ۲۳۷

- شکوری، مرتضی. (۱۳۸۸)، آثار تغییرات ساختار سنی جمعیت ایران بر صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان بازنشستگی کشوری، تهران.
- صالح پور، محمدرضا. (۱۳۸۸)، «رویکرد بانک جهانی در مورد اصلاح نظام بازنشستگی»، سازمان بازنشستگی کشوری.
- طهرانی، فرزانه. (۱۳۹۵)، ۲۸ قانون قاتل - آثار مالی ۲۸ قانون مصوب، بعد از ۱۳۵۴ برای صندوق‌های بازنشستگی کشوری، ویژه‌نامه اقتصادی شرق.
- عطاریان، ایراندخت. (۱۳۹۰)، چالش‌های پیش روی صندوق بازنشستگی کشوری و راهبردهای برون‌رفت از آن، سازمان بازنشستگی کشوری، تهران.
- غلامی، محمدرضا. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل سیاسی مؤثر بر همبستگی ملی در بین قومیت‌های ایرانی، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرهادی پور، محمدرضا. (۱۳۸۹)، «حکمرانی صندوق‌های بازنشستگی و ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی»، سازمان بازنشستگی کشوری.
- قاسمی، مجتبی. (۱۳۸۷)، شاخص اندازه‌گیری تورم برای بازنشستگان، سازمان بازنشستگی کشوری، تهران.
- کسرای، محمد سالار، شیرازی، پوزش علی. (۱۳۹۰)، تحلیل گفت‌وگوهای جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلنامه سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- متن اول سخنرانی‌های هاشمی رفسنجانی در تاریخ‌های ۱۵ آذر ۱۳۶۸، این سخنرانی یک‌صد روز پس از مراسم تحلیف و در دیدار با نمایندگان مجلس ایراد گردید. (به پیوست رساله)
- متن آیین‌نامه سهام عدالت (به پیوست رساله)
- متن دوم سخنرانی هاشمی رفسنجانی در تاریخ اول شهریور (۱۳۸۱)، این سخنرانی در هفته دولت و در یک برنامه تلویزیونی ایراد گردید)
- متن سوم سخنرانی هاشمی رفسنجانی در ۱۳ مرداد. (۱۳۷۲)، مراسم تحلیف دومین دوره ریاست جمهوری.
- مشیری تبریزی، حسین. (۱۳۹۶)، گزارش خط ریسک نقدی و تعهدی و نیاز به جذب بیمه‌شده، سازمان تأمین اجتماعی.
- موسی پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۳)، «ایجاد تعادل بین منابع و مصارف طرح‌های بازنشستگی با استفاده از دانش اکچوئری»، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال سوم، شماره ۱۰.

- میر، سیدجواد؛ گنجیان، مهدی؛ فروهش تهرانی، غلامرضا. (۱۳۹۳)، «چالش‌ها و راه‌کارهای صندوق‌های بازنشستگی در ایران، مطالعه موردی صندوق بازنشستگی جهاد کشاورزی»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال دوم، شماره هفتم.
- یزدانی، فرشید. (۱۳۸۲)، مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)، *فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- Beblawi, H. (1987). *The Rentier State in Arab World*, croom Helm, London.
- Bloom, D. Boersch-supan, A, McGee, P, and Seike, A. (2011). *population aging: facts, challenges, and responses*. Program on the global demography of aging PGDA working paper No.7.
- Bongaarts, J (2004). *Population Aging and the Rising Cost of Public Pensions*, policy Resrarch Division. Population Council.
- Corbo, v. and Schmidt-Hebbel, k. (2004). *Macroeconomic effects of the pension reform in chile*, pension reforms.
- Esping-Andersen, G. (1990). *The Three World of Welfare Capitalism*, London: sage.
- Holzmann, R. Hinz, R (2005). *Old-age income support in the 21st century: An international perspective on pension systems and reform*. Washington D.C: The World Bank.
- Hviding, K. and Merette, M (1998). *Macroeconomic Effects Of Pension Reform in The context of Ageing Population: Overlapping Generation Model Simulations for Seven OECD Countries*, OECD Economics Department Working Papers, No. 201, OECD Publishing.
- Jackson, R. (2002). *The Global Retirment Crisis»*, center for strategic and International Studies, 1811 K Street, NW, Washington.DC
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: sage publications.
- Laclau, E. and Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic politics*, London: verso.
- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.

- Laclau, E. (1993b). '*Power and representation*', in M. Poster (ed.), *Politics, Theory and Contemporary Culture*. New York: Columbia University Press.
- Laclau, E. (1996). *Why do Empty Signifiers Matter to Politics?* In E Laclau(Ed), *Emancipation(s)*, London, NewYork: Verso.
- Lahey, K. and Anenson, T. (2007). Public pension liability: Why reform is necessary to save the retirement of state employees, *Notre Dame Journal of Law, Ethics & Public policy*.
- Mahdavy, H. (1970). *The patterns of problems of economic development in a rentier state: the case of Iran*, Oxford press, London.
- Noroozian, M (2012). The Elderly population in Iran: An Ever Growing Concer in the Health system, *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, Autumn-Winter,6(2):1-2
- OCED (2005). Private Pension: OCED Classification and Glossary
- Weir, M. & Skocpol, T. (1985). '*State Structures and the Possibilities for a Keynesian» Response to the Great Depression in Sweden, Britain, and the United States*', in Evans, P. B. et al, eds, *Bringing the State Back in*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Whiteford, P and Whitehouse, E, (2014). pension challenges and pension Reforms in OECD Countries, *Oxford Journal, Oxford Review of Econmic policy*, volum22
- Williamson, John B. Howling, S A. and Maroto, M L. (2006). The Political Economy of Pension in Russia: Why partial Privatization? *ELSEVIER Journal of Aging Studies* 20. 65-175
- World Bank (2003). Islamic Republic of Iran the Pension System in Iran: *Challenges and Opportunities*, Volum 1: Report No.25174-IR.